

## جان گارور<sup>۲</sup>

این مقاله تلاش چین در ایفای نقشی مهم در اکتشاف و بهره‌برداری از انرژی حوضه خزر، و تأثیر این تلاش بر روابط چین با کشورهای منطقه خزر، به‌ویژه ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. در ابتدا مهمترین تلاش چین برای تأمین نیازهای روبه افزایش این کشور برای انرژی، از طریق شراکت سودمند در منابع انرژی خزر، یعنی ساخت خط لوله‌ای از غرب قزاقستان به سین کیانگ، به همراه توسعه سیستم خط لوله داخلی برای حمل منابع انرژی از سین کیانگ به مراکز صنعتی - جمعیتی سواحل شرقی چین، بررسی و تحلیل می‌شود. سپس تلاش ایران برای تثبیت خود به عنوان یک کریدور بزرگ ترانزیت از طریق سیستم کراس - نکا برای صدور منابع انرژی خزر به بازارهای جهانی و بخصوص میزان حمایت چین برای دخالت داشتن و درگیر بودن در پروژه کراس - نکا مورد تحلیل قرار می‌گیرد. پس از آن ارتباط کلی میان خط لوله قزاقستان - سین کیانگ و پروژه کراس - نکا ایران و ارتباط میان پروژه نکای ایران و خط لوله پیشنهادی پاکستان برای ماورای افغانستان و خط لوله پایانه گوادار بررسی می‌گردد. در آخر اهداف و حدود حمایت چین برای پروژه کراس - نکا مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

## خط لوله قزاقستان - سین کیانگ چین

خط لوله قزاقستان - سین کیانگ عامل مهم در تلاش چین برای استفاده از منابع انرژی غنی منطقه دریای خزر بوده است. در سال ۱۹۹۷ دو معامله بزرگی که سرمایه‌گذاری کل آن ۵/۶ میلیارد دلار بود میان شرکت ملی نفت چین و شرکت آکتیوبینسک موناگاز<sup>۳</sup> قزاقستان انجام شد که حاصل آن ۶۰ درصد سود از میادین

۱. تحویل و تبادل نفت جمهوری‌های خزر CROS: Caspian Republic's Oil Swap

۲. دکتر جان گارور، استاد دانشکده مدرسه روابط بین‌الملل، مؤسسه تکنولوژی جورجیا است. این مقاله توسط خانم بدرالزمان شهبازی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

3. Aktyubinsk munaigaz

نفتی نزدیک آکتیوبینسک<sup>۱</sup> و اوزن<sup>۲</sup> در غرب قزاقستان، برای چین بود. در ارتباط با این سرمایه‌گذاری‌ها چین برای ساخت یک خط لوله ۳۱۰۰ کیلومتری از آکتیوبینسک تا ارومچی<sup>۳</sup> در استان سین کیانگ، با دولت قزاقستان توافق کرد. این پروژه‌های بسیار جاه‌طلبانه بود و از منطقه‌ای بسیار ناهموار و سخت عبور می‌کرد. هزینه‌های ساخت در حدود ۳/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود. زمانی که اولین توافق ساخت خط لوله به امضاء رسید پیشنهاد شد که اجرای ساخت این خط از ژوئن ۲۰۰۵ آغاز شود.<sup>(۱)</sup>

اجرای توافقنامه سال ۱۹۹۷ ساخت خط لوله چین - قزاقستان به زودی با مشکلات جدی مواجه شد. شرکت ملی نفت چین متوجه شد ذخایر موجود در آکتیوبینسک به‌طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از مقدار پیش‌بینی شده بود، به این معنا که حجمی که این خط لوله را از نظر تجاری سودمند می‌ساخت (یعنی بیست تا بیست و پنج میلیون تن نفت در سال) موجود نبود. هنگامی که شرکت ملی نفت چین این نتایج را به شرکای قزاق خود منتقل کرد، آستانه<sup>۴</sup> پکن را به نقض تعهد خود برای ساخت این خط لوله متهم کرد. با سقوط قیمت جهانی نفت هم‌زمان با رکود اقتصادی جهانی که از اواخر سال ۱۹۹۷ آغاز شد، مشکلات هرچه بیشتر تشدید شد. این امر در سخنان وزیر نفت قزاقستان در اواسط سال ۱۹۹۹ توضیح داده شد که «قیمتهای کنونی نفت مانع از تحقق پروژه خط لوله سین کیانگ می‌شود. هنگامی که قیمت‌های نفت بالا برود احتمالاً این امر تحقق می‌یابد».<sup>(۲)</sup>

همچنین اختلافاتی بر سر به کارگیری و آموزش کارگران قزاق برای ساخت خط لوله و جایگزینی متخصصان نفتی روسی که از قزاقستان به روسیه باز می‌گشتند میان شرکت ملی نفت چین و دولت قزاقستان وجود داشت. دولت قزاقستان در ابتدا انتظار داشت که شرکت ملی نفت چین تعداد زیادی از قزاق‌ها را برای جایگزین شدن، به جای روس‌های در حال خروج از

1. Aktyubinsk  
3. Urumqi

2. Uzen  
4. Astana

قزاقستان، آموزش و تعلیم دهد اما واقعیت‌ها با انتظارات هم‌سو نبودند. در سال ۲۰۰۰ هنگامی که شرکت ملی نفت چین تعداد بسیار زیادی از کارگران قزاق را اخراج کرد تا از هزینه‌های تولید کاسته شود، آستانه اعتراض کرد و اصرار داشت که شرکت ملی نفت چین قزاق‌های بیشتری را استخدام کند و آموزش دهد و در مقابل بسیاری از کارگران چینی را به چین بازگرداند.<sup>(۳)</sup> مذاکرات میان آستانه و پکن در مورد خط لوله سین کیانگ چندین سال ادامه یافت. در این میان چین نفت استخراج شده از میادین آکتیوبینسک را به یک پالایشگاه روسی در آرسک<sup>۱</sup> در شمال قزاقستان می‌فروخت.<sup>(۴)</sup> مشکل دیگر این بود که چین فاقد خط لوله برای انتقال نفت از سین کیانگ به مراکز صنعتی و جمعیتی ساحل شرقی خود بود. در سال ۱۹۹۷ تقریباً تمامی نفت غرب سین کیانگ با تانکرها و از طریق خط آهن به سمت شرق حمل می‌شد، روشی که ۴۰ درصد گرانتر از حمل و نقل از طریق خط لوله بود و خط آهن‌های همیشه شلوغ و پُر بار در چین را بیش از پیش شلوغ‌تر و پُر بارتر می‌کرد. اقتصاد روبه توسعه چین نیاز بیشتری به خطوط آهن چین برای حمل و نقل داشت و این خطوط نمی‌توانست به‌طور هم‌زمان نفت و کالاهای غیرنفتی بیشتری را حمل کند. برای دوام و بقای خط لوله قزاقستان - سین کیانگ توسعه و بهبود بیشتر شبکه‌های خط لوله داخلی چین ضرورت داشت.

پس از سالها ملاحظات و بررسی‌های جدی، چین پیشبرد چندین خط لوله بزرگ داخلی را آغاز کرد که می‌تواند منابع انرژی آسیای مرکزی را از راه سین کیانگ منتقل کند. در اواخر سال ۲۰۰۰، پتروچین<sup>۲</sup> (از شاخه‌های شرکت ملی نفت چین) کار بر روی خط لوله ۱۲۵۰ کیلومتری و ۴۸۱ میلیون دلاری از لائزو<sup>۳</sup>، از استانهای شانگسی<sup>۴</sup> و سی چون آن<sup>۵</sup> به منطقه شهری چونگ کینگ<sup>۶</sup> را آغاز کرد.<sup>(۵)</sup> در اواسط سال ۲۰۰۲ یک کنسرسیوم از چینی‌ها و شرکتهای خارجی در خصوص معامله‌ای ۵/۲ میلیارد دلاری برای ساخت یک خط لوله ۴۰۰۰

1. Arsk

3. Lanzhou

5. Sichuan

2. Petro China

4. Shanxi

6. Chongqing

کیلومتری از ارومچی<sup>۱</sup> به شانگهای، (خط لوله گاز و نه خط لوله نفت) توافق کردند.<sup>(۶)</sup> خط لوله گاز و نفت دارای ساختار کاملاً متفاوتی هستند و یک نوع از این خط لوله را نمی توان برای انتقال نوع دیگری از محصول به کار برد.<sup>(۷)</sup> کسب و اخذ مجوز قانونی برای استفاده از یک سرزمین، به اضافه مجموعی از نیروی عظیم ساختمانی که در ساخت خط لوله مهارت داشته باشد می تواند ساخت آتی یک خط لوله نفتی را در همان مسیر تسهیل نماید. با پیشرفت و تکمیل خط لوله گاز غرب - شرق در اواسط سال ۲۰۰۵، شرکت ملی نفت چین مہیای شروع ساخت (در اواخر سال ۲۰۰۴) یک خط لوله ۱۸۰۰ کیلومتری از ارومچی به لانزو شد. اکنون این طرح‌ها به دنبال گسترش بیشتر این خط از جنوب به سیان<sup>۲</sup>، زنگزو<sup>۳</sup>، ووہان<sup>۴</sup> و چانگشا<sup>۵</sup> هستند. طرح‌های شرکت ملی نفت چین به دنبال افزایش ۷ تا ۳۰ درصد نفتی است که به وسیله خط لوله‌ها تا سال ۲۰۱۰ منتقل می شود و سالانه میزان ۱۴۵ میلیون دلار برای شرکت پس انداز خواهد داشت.<sup>(۸)</sup> حتی زمانی که کار بر روی خط لوله قزاقستان - سین کیانگ پس از سال ۱۹۹۷ دچار وقفه شد، چین در تلاش خود برای جمع آوری ملزومات کافی برای این خط، ثابت قدم ماند. در ماه مه سال ۲۰۰۳، شرکت ملی نفت چین و شرکت ملی نفت دریایی چین کوشیدند تا ۶۱۴ میلیون دلار و سهم ۱۶ درصدی از گروه BG بریتانیا از کنسرسیوم بین المللی که کنترل میدان نفتی کاشاگن<sup>۶</sup> در شمال شرقی ساحل دریای خزر را دارد، به دست آورند. میدان کاشاگن دارای ذخایری در حدود ۷-۹ میلیارد بشکه<sup>(۹)</sup> است و تکمیل و دستیابی آن، چین را به طور قابل ملاحظه ای به آستانه مورد لزوم خود نزدیک تر می کند. اما تلاش چین برای دستیابی به چنین چیزی توسط یک کنسرسیوم آمریکایی - ژاپنی بی نتیجه ماند. با وجود این شکست، چین همچنان پافشاری می کند. شرکت ملی نفت چین در ژوئن ۲۰۰۳ سهم خود در اکتیوینسک موناگاز را که کنترل کننده میادین اکتیوینسک است از ۷۵ درصد به صد درصد، با هزینه ۱۵۰ میلیون دلار

1. Urumqi
3. Zhengzhou
5. Changsha

2. Xian
4. Wuhan
6. Kashagan

افزایش داد. این شرکت در اکتبر ۲۰۰۳، ۶۵ درصد میدان نفتی بوزاچی شمالی<sup>۱</sup> در شمال غرب قزاقستان را خریداری کرد. میدان نفتی بوزاچی شمالی در سال ۲۰۰۲ بیش از سیصد هزار تن تولید داشت.<sup>(۱۰)</sup> چین تا اواخر سال ۲۰۰۳ در حدود ۹ میلیون تن از تولید سالانه در میادین غرب قزاقستان را در کنترل داشت و این کمتر از نیمی از مقدار لازم برای حفظ خط لوله به سین‌کیانگ بود. اما تداوم مالکیت چین نشان از پافشاری در تلاش برای رسیدن به این هدف داشت. شرکت ملی نفت چین و سینوپک<sup>۲</sup> همچنین به‌طور مجزا سرمایه‌گذاری‌هایی در سال ۲۰۰۳ (به مبلغ کل ۵۵/۵ میلیون دلار) در چهار میدان نفتی آذربایجان پیرسات<sup>۳</sup>، گبوستان<sup>۴</sup> کاراباگلی<sup>۵</sup> و کورسنگی<sup>۶</sup> انجام دادند. در حالی که تولید در این میدان‌ها زیاد نبود اما استفاده از آنها از سوی چین تجربه خوبی در یک بازار غنی بود. در آینده‌ای نامعلوم تولیدات چین از میادین آذربایجان می‌توانست با کشتی از دریای خزر به سوی شمال برود و برای انتقال به آتیرائو<sup>۷</sup> به سوی شرق به طرف چین حمل شود. کار بر روی بخش غربی خط لوله آکتیوبینسک-ارومچی به آهستگی ادامه یافت. خط لوله ۱۲۴ اینچی از آتیرائو به آکتیوبینسک توسط شرکت ملی نفت چین در مارس ۲۰۰۳ و با هزینه بیش از صد میلیون دلار تکمیل شد، هرچند که در حال حاضر نفت را تنها در جهت غرب حمل می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> شرکت ملی نفت چین همچنین خط لوله‌ای را تکمیل نمود که املاک تحت تصرف آن رادر آکتیوبینسک و اوزن مرتبط می‌ساخت.

هنگام دیدار هو جین تائو<sup>۸</sup> از آستانه<sup>۹</sup> در ژوئن سال ۲۰۰۳، در بیانیه مشترکی که توسط او و نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، امضا شد نوشته شده بود که: «همکاری جمهوری خلق چین و قزاقستان در زمینه انرژی دارای اهمیت استراتژیک است، بنابراین آنها

1. North Buzachi  
3. Pirsat  
5. Karabagli  
7. Atyrou  
9. Astana

2. Sinopec  
4. Gobustan  
6, Kursangi  
8. Hu Jintao

همکاری خود در زمینه نفت و گاز طبیعی را تقویت می‌کنند و اقدامات مؤثری را برای تضمین اجرای پروژه‌های همکاری موجود انجام خواهند داد و همچنین به مطالعات در زمینه امکان‌پذیر بودن پروژه خط لوله نفت قزاقستان - جمهوری خلق چین و پروژه مرتبط با توسعه میدان نفتی ادامه می‌دهند. قزاقستان همچنین متعهد شد تا از «مشارکت چین در پیشبرد و توسعه میادین نفتی در بستر دریای خزر در قزاقستان حمایت نماید»<sup>(۱۳)</sup> هنگامی که نظر بایف یک سال بعد از پکن دیدار کرد، در اعلامیه مشترک حاصل از این دیدار از سرگیری کار بر روی آخرین بخش شرقی خط لوله مشخص شده بود: «دو طرف در اسرع وقت با جدیت و با یکدیگر برای ساخت خط لوله نفت آتاسو<sup>۱</sup> و آلاتاو<sup>۲</sup> همکاری خواهند کرد». دو طرف همچنین «تسریع در تحقیق» در ایجاد خط لوله گاز طبیعی «از قزاقستان به چین» را متعهد شدند.<sup>(۱۴)</sup> پکن و آستانه همچنین یک «چارچوب توافق» را برای تسهیل همکاری در زمینه انرژی امضا کردند. شرکت ملی نفت چین و شرکت نفت دولتی قزاقستان به نام کازمونای گاز<sup>۳</sup> هر یک ۵۰ میلیون دلار آمریکا در منشور سرمایه در سرمایه‌گذاری مشترک برای ساخت خط آتاسو - آلاتاو سرمایه‌گذاری کردند و قرار شد طرف چینی بقیه هزینه‌های ساخت خط لوله را تأمین مالی نماید. قرار بود شرکت ملی نفت چین مبلغ کلی و عظیم ۲۰ میلیارد دلاری را طی ده سال و با هدف افزایش تولید تا ۳۰ میلیون تن در سال سرمایه‌گذاری نماید.<sup>(۱۵)</sup>

کار بر روی بخش آتاسو - آلاتاو، از خط لوله قزاقستان - سین کیانگ سرانجام در اوت سال ۲۰۰۴ آغاز شد و قرار است تا پایان سال ۲۰۰۵ تکمیل گردد. مواد انتقال داده شده از این خط لوله تا پایان سال ۲۰۰۵، ده میلیون تن در سال خواهد بود این مقدار در طی یک دوره ده ساله، هر سال به مقدار سی میلیون تن افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاری کل شرکت ملی نفت چین، بیست میلیارد دلار خواهد بود.<sup>(۱۶)</sup> تا آن زمان خط لوله احداث شده توسط شرکت ملی نفت

1. Atasu

2. Alatau

3. Kazmunai Gaz

چین به لانزو<sup>۱</sup>، سیان، چنگدو<sup>۲</sup>، زنگزو<sup>۳</sup> و وهان و چانگشا، کامل‌تر خواهد بود و نفت آسیای مرکزی را به مراکز درخواست‌کننده سرتاسر چین منتقل می‌نماید.

### پروژه نکا و پیشنهاد ایران برای تثبیت خود به عنوان یک کریدور ترانزیت

چه ارتباطی میان تلاش عظیم چین برای ساخت خط لوله‌های قزاقستان - سین‌کیانگ و ارومچی - لانزو، و روابط چین با ایران وجود دارد؟ آیا پروژه‌های خط لوله سین‌کیانگ چین با همکاری چین با ایران در زمینه انرژی هم‌سو و موازی است یا با آن تناقض دارد؟ آیا به نظر می‌آید که استراتژی بلندمدت چین برای توسعه یک سیستم انتقال فراسرزمینی است که نفت خلیج فارس را به صنایع چین مرتبط می‌سازد؟ چین تا چه حد از تلاش‌های ایران برای شکست تلاش‌های آمریکا برای تحدید نقش ایران در معادله منابع انرژی دریای خزر حمایت خواهد کرد؟ پاسخ به این سئوالات باید با تحقیق بر روی تحرکات استراتژیک مربوطه ایران آغاز شود. پیشنهاد عمده ایران برای ایفای نقشی اصلی در بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر، تلاشی برای تثبیت خود به عنوان یک کریدور عمده برای انتقال این منابع به بنادر خلیج فارس است. بیانیه سفارت ایران در ورشو، لهستان وضعیت ایران را به خوبی شرح می‌دهد:

ایران با قرار گرفتن میان دریای خزر و خلیج فارس، اقتصادی‌ترین راه برای صدور منابع عظیم هیدروکربن همسایگان شمالی جدید ایران یعنی، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان است. ایران در جنوب این کشورها طولانی‌ترین خط ساحلی را در طول خلیج فارس دارد و بر نیمی از آبهایی که به بازارهای جهانی دسترسی دارند کنترل دارد. بدین ترتیب موقعیت ایران به عنوان تنها قلمرو جغرافیایی که پلی میان دو منطقه نفتی بسیار مهم است، نقش خطیر آن در توسعه حتمی این کشورهای دارای منابع هیدروکربنی را روشن می‌سازد. با توجه به نکات فوق،

1. Lanzhou  
3. Zhengzhou

2. Chengdu

به نظر می‌رسد همکاری با ایران برای صادرات نفت و گاز با استفاده از قلمرو ایران، بهترین انتخاب برای توسعه منابع هیدروکربنی این کشورها و استفاده کامل از پتانسیل بازار منطقه است. (۱۷)

ایران در اواسط دهه ۱۹۹۰، طرح سه مرحله‌ای را برای تحقق این جاه‌طلبی گسترش داد. اولین مرحله شامل استفاده از تسهیلات موجود ایرانیان برای تحویل و مبادله نفت خزر از قزاقستان، ترکمنستان یا روسیه به بنادر شمالی ایران در خزر یعنی نکا یا انزلی در مقابل تحویل نفت ایران با همان کیفیت و کمیت به بندر خارک در خلیج فارس به نمایندگان این کشورهای حوزه خزر بود. از آنجا که مراکز صنعتی و جمعیتی عمده ایران و همچنین تقاضا برای سوخت از پالایشگاههای نفتی، در شمال قرار دارد، و مراکز عمده تولید نفت در جنوب کشور است، نفت خام شمال می‌تواند در شمال ایران پالایش و توزیع شود. این بدان معنا است که نفت خام ایران در جنوب دیگر نیازی به انتقال به شمال برای پالایش ندارد در حالی که نفت خام خزر نیز ضرورتی به انتقال به جنوب به خلیج فارس ندارد. این کار هزینه‌های انتقال نفت جنوب ایران با کشتی به شمال ایران و جنوب دریای خزر را حذف می‌کند و منجر به (حداقل به شکل فرضی) صرفه‌جویی‌های عمده‌ای می‌گردد. ایران برای انجام این خدمات مبلغ دو دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۹۸ جمع‌آوری کرد.

این ترتیبات تحویل و تبادل که تهران آن را تحویل و تبادل نفت جمهوری‌های خزر یا کراس می‌نامد با عوامل متعددی محدود شد. یک عامل اندازه و حجم کوچک بنادر نکا و انزلی بود. در سال ۱۹۹۸، بندر نکا تنها یک لنگرگاه با حداکثر طرح چهارمتری داشت که می‌توانست فقط تانکرهای تا ۴۲۰۰ تن و تانک‌های ذخیره روی ساحل تنها با ۴۵ هزار بشکه را پذیرا باشد. (۱۸) خط لوله از تهران دارای ضخامت بسیار کمی بود که پالایشگاه جنوب غربی تهران در ری را به نکا متصل می‌ساخت. خط لوله موجود ری - نکا کوچکتر از آن بود که بتواند حجمی اساسی و بزرگ را حمل کند و در اصل برای انتقال سوخت پالایشگاه ری به نکا ساخته شده بود. در اولین سالهای کراس (که در سال ۱۹۹۷ آغاز شد) بیشترین نفت خزر که به پالایشگاههای



شمال ایران انتقال می‌یافت از طریق خط لوله نبود بلکه این انتقال توسط تانکرهای خط آهن صورت می‌گرفت. خط لوله قدیمی ری - نکا ظرفیتی تنها در حدود بیست تا سی هزار بشکه در روز داشت. (۱۹)

فاز دوم طرح کراس شامل گسترش بندرگاه نکا و ساخت کارخانه بارگیری و حمل نفت در آنجا بود. بخش‌هایی از خط لوله ۳۲۰ کیلومتری ری - نکا نیز قرار بود با استفاده از لوله با ضخامت بیشتر و پمپ‌های قدرتمندتری بازسازی شود که برای افزایش جریان بیشتر نصب گردد. باید خط لوله‌های بیشتری ساخته می‌شد تا نفت بیشتری از دریای خزر به نکا را به پالایشگاه‌های دیگر تبریز و اراک منتقل کند. تجهیزاتی باید برای این پالایشگاه‌ها نصب شود تا بتواند نفت قزاقستان را که سولفور بسیار زیادی دارد پالایش نماید. فاز دوم پروژه در آوریل و مه سال ۲۰۰۴ به‌طور رسمی توسط رئیس جمهوری ایران، آقای خاتمی افتتاح گردید. انتظار می‌رود تا پایان فاز دوم ظرفیت سیستم کراس به ۳۵۰ هزار بشکه در روز برسد. (۲۰) فاز سوم پروژه شامل ساخت خط لوله‌ای با ضخامت بزرگ است که به‌طور مستقیم از نکا به بندر خلیج فارس برود. مدیر اجرایی پروژه کراس می‌کوشد تا میزان ۵۰۰ هزار بشکه در روز را برای تکمیل فاز سوم عملی سازد. (۲۱) هیچ تاریخ قطعی برای آغاز یا تکمیل فاز سوم تعیین نشده است.

تهران همچنین ساخت خط لوله‌ای را نوید می‌دهد که ترکمنستان را به سیستم نکا متصل سازد. هنگامی که صفر مراد نیازاف، رئیس جمهور ترکمنستان در ژوئیه سال ۱۹۹۸ از تهران دیدار کرد، دو دولت توافقنامه‌ای را برای ساخت خط لوله نفت از ترکمنباشی در ساحل شرقی دریای خزر، در غربی‌ترین بخش ترکمنستان، به نکا امضا کردند. (۲۲)

خط لوله‌ای که از طریق نکا، از بندر ترکمن‌باشی به خارک می‌رود احتمالاً جایگزین توافقات تحویل و تبادل می‌شود که به دلیل ظرفیت پالایشگاه‌ها و نیاز داخلی به نفت در شمال ایران محدود خواهد بود. همچنین خط لوله ترکمن‌باشی - نکا - خارک می‌تواند تا حدودی آسان‌تر به خط لوله غربی قزاقستان مرتبط شود که انتقال نفت خام قزاقستان و نیز ترکمنستان را

به بازارهای جهانی ممکن می‌سازد. چنین تحولی موجب نقشی عمده برای ایران می‌شود که منابع انرژی خزر را در دست خود داشته باشد. خط ترکمن‌باشی - نکا - خارک، احتمالاً در مقایسه با سایر راهها، صرفه‌جویی اساسی در هزینه‌ها خواهد بود. این خط به شکل قابل توجهی کوتاهتر از خط باکو - تفلیس - جیحان است و هزینه بارگیری و تخلیه بار نفت خزر از کشتی‌های تانکر نفت را که برای فاز اول و دوم کراس لازم است حذف می‌نماید. همچنین خط لوله ترکمن‌باشی - نکا - خارک می‌تواند نفت گرفته شده از منابع تحت کنترل چین در غرب قزاقستان را حمل نماید و آن را عمدتاً از راه دریای ساحل شرقی چین که در نتیجه ارزان‌تر از هزارها کیلومتر خط لوله زمینی است منتقل نماید. همچنین می‌تواند در جهت منابع انرژی در جهت جنوب تغییر جهت دهد که در غیر این صورت به سمت شرق یعنی به سیستم خط لوله قزاقستان - سین‌کیانگ جریان می‌یابد.

کراس و خط لوله ترکمن‌باشی - نکا - خارک هر دو رقبای مستقیم خط لوله باکو - تفلیس - جیحان هستند که در نوامبر ۱۹۹۹ توسط ترکیه، گرجستان و آذربایجان و با حمایت آمریکا راه‌اندازی شدند. خط لوله ۱۷۳۰ کیلومتری (۱۰۸۰ مایل) باکو - تفلیس - جیحان به منظور جمع‌آوری نفت خام کشورهای ساحلی خزر در پایانه‌ای نزدیک باکو و تحویل آن به بندر مدیترانه‌ای ترکیه یعنی جیحان طراحی شده است، تا بدین ترتیب از تنگه متراکم بوسفر و همچنین از قلمرو ایران و روسیه پرهیز کند و بدین ترتیب توانایی این دو کشور را برای هرگونه سود و منفعت و یا کنترل جریان نفت به حداقل رساند. خط ۳ میلیارد دلاری باکو - تفلیس - جیحان توسط کنسرسیومی از کشورهای غربی و به رهبری بریتیش پترولیوم (شرکت ملی نفت انگلستان<sup>۱</sup>) ساخته شده است. در صورت تکمیل این خط لوله میزان انتقال نفت از آن یک میلیون بشکه در روز برنامه‌ریزی شده است. انتظار می‌رود این خط در اواسط سال ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار گیرد.<sup>(۲۳)</sup>

1. British Petroleum

تهران حمایت آمریکا از خط لوله باکو - تفلیس - جیحان را بخشی از تلاش آمریکا برای تضعیف پروژه نکا تلقی می‌کند. آقای خاتمی رئیس جمهور ایران هنگام افتتاح رسمی تسهیلات راه‌اندازی پروژه و خط لوله نکا در ماه مه سال ۲۰۰۴ به خبرنگاران ایرانی چنین گفت:

ما به‌طور مکرر گفته‌ایم که ارزان‌ترین، کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای انتقال منابع انرژی منطقه دریای خزر به بازار از راه ایران است و در این مورد هیچ تردیدی وجود ندارد. سیاست‌های غلط و استکباری آمریکا در جهان هر روز با شکست مواجه می‌شود. ما امیدواریم مقامات آمریکایی هوشیار و متوجه شوند که در این جهان آنها باید به همه مردم یکسان احترام بگذارند و با همه آنها یکسان رفتار کنند. زمان قلدری و زورگویی و یکجانبه‌گرایی و تحمیل خواست‌ها، که تنها منافع یک کشور را تأمین کند، سپری شده است. (۲۴) این خبرنگار از بیانات آقای خاتمی چنین نتیجه‌گیری کرد که دولت آمریکا تنها برای تنبیه ایران به دلیل استقلالش، از خط لوله باکو - تفلیس - جیحان حمایت می‌کند. در چارچوب رقابت بین باکو - تفلیس - جیحان و کراس است که ما باید اهمیت حمایت چین از سیستم نکا - کراس را ارزیابی کنیم.

### چین و سیستم کراس - نکا

شرکت ملی نفت چین در ابتدا بسیار مشتاق به خط لوله‌های جهت گرفته از سمت جنوب بود. هنگامی که این شرکت کنترل نفت آکتیوپینسک را در ۱۹۹۷ به‌دست آورد، توافقنامه امضاء شده توسط شرکت ملی نفت چین و وزارت منابع طبیعی قزاقستان شامل ماده‌ای برای ساخت دو خط لوله بود، که خط سین‌کیانگ قبلاً مورد بحث قرار گرفته بود و خط دوم خطی بود که از راه ترکمنستان به سمت جنوب به ایران می‌رفت. (۲۵) در سال ۱۹۹۷ خط جنوبی که بسیار کم هزینه‌تر بود (یک میلیارد دلار در مقایسه با ۳/۵ میلیارد دلار برای خط قزاقستان - سین‌کیانگ) شرکت ملی نفت چین را به سوی اولویت بخشیدن به راه جنوبی متمایل ساخت. (۲۶)

برخی عوامل چین را از تأکید بر خط لوله جنوبی دور نگه داشت. برخی از این تأثیرگذاری‌ها روشن و آشکار است. اختلافات ایران و قزاقستان در مورد قیمت و کیفیت جریان جنوبی نفت، پایداری اقتصادی سیستم جنوبی را کاهش می‌داد. این امکان نیز وجود دارد که پکن تغییر اولویت به سمت خط لوله شرقی سین‌کیانگ را به این منظور انتخاب کرده است تا از مناقشه و رویارویی مستقیم چین با خط لوله مورد حمایت آمریکا یعنی با کو-تفلیس-جیحان و نیز از اتحاد و یکپارچگی با ایران در مقابل آمریکا پرهیز نماید. شاید تصمیم پکن این باشد که به واشنگتن نشان دهد که در زمینه خط لوله‌ها هم مانند مسائل هسته‌ای، در پی مقابله با آمریکا بر سر ایران نیست.

از زمانی که ایران تلاش‌های خود را از اواسط دهه ۱۹۹۰ بر این هدف متمرکز کرد که کریدوری برای نفت خزر باشد، واشنگتن با این تلاش‌ها مقابله کرد، و این به دلیل نگرانی آمریکا از عدم پذیرش اسرائیل توسط ایران، حمایت از حزب‌الله و دیگر گروه‌های به اصطلاح تروریستی و فعالیتهای هسته‌ای آن بود. قانون تحریم ایران و لیبی<sup>۱</sup>، در سال ۱۹۹۶ بازتاب این نگرانی‌های سیاسی و تأکید بر آنها بود. این قانون شامل عدم پذیرش اعتبارات و وام‌های بانکهای آمریکا به هر شرکت خارجی بود که بیست میلیون دلار در پروژه نفت یا گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کرد. دولت‌های اروپایی و سایرین این قانون آمریکا را مورد انتقاد قرار دادند که اعمال حاکمیت آمریکایی فرامنطقه‌ای است و در حقیقت نقض توانایی حاکمیت سایر کشورها برای تنظیم تبادلات خود می‌باشد. واشنگتن به دلیل این چالش‌ها - و نه به دلیل تمایل به پرهیز از دشمنی و مخالفت با متحدین آمریکا همچنان مواد این قانون را تحکیم می‌کند و به اجرا می‌گذارد (مانند اواسط سال ۲۰۰۴). اما با این حال واشنگتن به‌طور مکرر با تهدید به تحمیل تحریمات ایران و لیبی علیه پروژه‌هایی که در ایران است، مداخله کرده است. بدنبال انجام توافق ژانویه سال ۲۰۰۱ میان شرکت ملی نفت ایران و سینوپک<sup>۲</sup>، وزارت امور خارجه آمریکا تحقیقاتی را آغاز کرد

1. Iran, Libya Sanction ACT (ILSA)

2. Sinopec

و اعلام کرد که این تحقیقات برای این است که ببیند آیا قرارداد سینوپک با شرکت ملی نفت ایران در تناقض با قوانین آمریکا است یا خیر.<sup>(۲۷)</sup> براساس گفته یک مقام رسمی وزارت امور خارجه آمریکا: «ما در سایه سیاستهایمان بسیار نگران پروژه نکا هستیم. مابین نگرانی‌ها را به دولت چین، سینوپک و شرکتهای دیگری که از این پروژه سود می‌برند ابراز کرده‌ایم. براساس گزارش یک نماینده سفارت آمریکا در چین ضمن نزدیک شدن به سینوپک از این شرکت خواست تا این پروژه را به حالت تعلیق درآورد. سینوپک تأیید کرد که به خواست آمریکا توجهی نمی‌کند.<sup>(۲۹)</sup> گروههای ذی‌نفع صنعت نفت بعید می‌دانند که واشنگتن پس از شکست در تحمیل قانون علیه شرکتهای اروپایی بخواهد یک شرکت چینی را تحت تحریم‌های ایران و لیبی قرار دهد. راههای غیررسمی بسیاری وجود دارد که ارگانهای اجرایی دولت آمریکا می‌توانند، اقدامات آمریکا برای سینوپک را دشوار سازند. به عنوان مثال، این شرکت اولین سهام کلی به مبلغ ۳/۴ میلیارد دلار را در بازار سهام نیویورک در اکتبر سال ۲۰۰۰ افتتاح کرد. در تشریح سرمایه‌گذاری‌های شرکت، سینوپک ذکر کرد که سرمایه‌گذاری در ایران به میان نیامد.<sup>(۳۰)</sup> این سکوت تلویحاً به معنای عدم اذعان به حقایق و زمینه‌ای برای انجام عملی قانونی بود. اما شاید آنچه که به نظر می‌رسد این باشد که مخالفت آمریکا عاملی برای تهدید و فشار بر توسعه سیستم نکا باشد. نورسلطان نظربایف در ماه مه سال ۲۰۰۴ به یک خبرنگار خارجی گفت: در حالی که راه ایران به سمت خلیج فارس ممکن است جالب‌ترین و جذاب‌ترین راه برای صادرات نفت قزاقستان، و حتی بهتر از باکو-جیحان، بهتر از چین و بهتر از روسیه باشد، بهترین راه خروجی برای ما نیز هست. اما چنین راهی غیرممکن خواهد بود مگر آنکه روابط ایران و آمریکا بهتر شود.<sup>(۳۱)</sup> چین در به رسمیت شناختن فاز دوم (پیشبرد زیرساخت فیزیکی) پروژه کراس - تهران نقش مهمی ایفا می‌کند. بخصوص سینوپک در سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴، پایانه نفتی جدیدی در نکا احداث کرد و پالایشگاههای تهران و تبریز را نیز نوسازی و ترمیم کرد تا بتوانند نفت قزاقستان را که دارای سولفور بالا است

پالایش کنند. سه واحد عمل آوری ال. پی. جی<sup>۱</sup> و یک واحد عمل آوری ال-اس-آر-ان<sup>۲</sup> در این پالایشگاه احداث و خط لوله‌ای ۱۶ اینچی میان نکا و ساری ساخته شد. سینوپک مسئول طراحی، خرید تجهیزات و ساخت این پروژه بود که بزرگترین پروژه‌ای بود که توسط یک شرکت چینی انجام می‌شد.<sup>(۳۲)</sup> ارزش قرارداد ژانویه سال ۲۰۰۱ برای پایانه نفتی نکا و نوسازی پالایشگاهها ۱۵۰ میلیون دلار بود.<sup>(۳۳)</sup> سینوپک همچنین در ساخت خط لوله جدید ۳۲۰ کیلومتری از بندر نکا به پالایشگاه ری در جنوب تهران شرکت داشت.<sup>(۳۴)</sup> تمامی این پروژه شامل ساخت یک خط لوله به ارزش ۳۶۰ میلیون دلار بود.<sup>(۳۵)</sup> پایانه نفتی نکا که سینوپک آن را ساخت، دارای ظرفیت ذخیره ۳۰۰ هزار متر مکعب در مقایسه با ده هزار متر مکعب ذخیره نفت خامی بود که پیش از انجام این پروژه در نکا وجود داشت.<sup>(۳۶)</sup> این پایانه جدید همچنین ظرفیت ترکیب و مخلوط نمودن درجات متعدد نفت خام را داشت و این برای خاصیت ضعیف چسبندگی درجات پایین تر نفت خام قزاقستان و ضرورت تحویل نفت با درجات یکسان به سواحل خزر به منظور امکان تحویل آن به درجات قابل مقایسه با نفت خلیج فارس بود. تکمیل پایانه نفتی نکا، نوسازی و ارتقای پالایشگاهها و خط لوله‌ها برای افزایش ظرفیت جریان کراس تا ۱۷۵ هزار بشکه در روز بود.<sup>(۳۷)</sup> براساس گزارش‌ها، ایران تا ماه مارس سال ۲۰۰۴، صد هزار بشکه در روز، نفت خام روسیه، قزاقستان و ترکمنستان را از پایانه نکا دریافت می‌کرد.<sup>(۳۸)</sup>

مسیر مشارکت چین در پروژه نکا مسیر مستقیم و همواری نبود و به هیچ وجه روشن نیست که این مشارکت حاصل تصمیمات استراتژیک رهبران عالی چین، در مقابل تصمیمات با انگیزه تجاری مؤسسات اقتصادی بوده است.

پیشنهاد پروژه نکا برای اولین بار در اکتبر سال ۱۹۹۸ مطرح شد. شرکتهایی از ژاپن، بریتانیا، کره جنوبی، اسپانیا، فرانسه و چین و نیز شرکتهای داخلی ایرانی پیشنهادات خود را تسلیم کردند. پایین ترین پیشنهاد برای ساخت خط لوله از یک شرکت ایرانی با نام اختصاری

1. LPG

2. LSRN

مپنا<sup>۱</sup>، شرکت مدیریت پروژه‌های نیروگاهها<sup>۲</sup> بود. به زودی روشن شد که این شرکت منابع کافی برای تکمیل این پروژه را ندارد اما شرکت ملی نفت ایران، مسئول ایرانی این پروژه اصرار و تأکید داشت که به این شرکت فرصتی داده شود تا برای تأمین منابع لازم با یک شرکت خارجی مشارکت داشته باشد. مپنا ابتدا روبه سوی شرکت ملی نفت چین و سینوپک آورد، شاید به این امید که تمایلات استراتژیک چین برای مشارکت با ایران موجب حمایت زیاد و سخاوتمندانه از جانب این شرکتها باشد. اما اگر هم چنان بود، این مذاکرات به دلیل برآورد هزینه بیشتر شرکت‌های چینی به نتیجه نرسید. پس از آن مپنا روبه سوی شرکت‌های فرانسوی آورد اما این گفتگوها هم به شکست انجامید. سپس شرکت ملی نفت ایران، شرکت ایرانی با منابع بیشتری را به نام شرکت ملی ساختمانی و مهندسی ایران<sup>۳</sup> معرفی کرد، در حالی که از یک کنسرسیوم به رهبری شرکت ملی نفت چین و سینوپک برای مذاکرات دعوت به عمل آورد.<sup>(۳۹)</sup> به گفته حسین کاظم‌پور اردبیلی مشاور ارشد وزیر نفت ایران که در ژانویه سال ۲۰۰۰ صحبت می‌کرد، کنسرسیوم چینی جایگاه دوم را پس از مپنا داشت.<sup>(۴۰)</sup> به نظر می‌آید که شرکت ملی ساختمانی و مهندسی ایران در روند اولیه پیشنهادات شرکت نداشت.<sup>(۴۱)</sup> با این وجود مذاکرات ادامه داشت و شرکت ملی نفت ایران همچنان بر قیمت‌هایی اصرار می‌ورزیدند که از نظر طرف‌های چینی از نظر اقتصادی مناسب نبود.<sup>(۴۲)</sup> در ابتدای سال ۲۰۰۰، شرکت ملی نفت چین که به دنبال تأمین خدمات مهندسی و نیروی کار برای ساخت خط لوله بود، از مذاکرات کنار کشید.<sup>(۴۳)</sup> به دنبال عقب‌نشینی شرکت ملی نفت چین، تهران هیأتی را (اواخر ژانویه سال ۲۰۰۰) به پکن فرستاد تا برای حمایت از پروژه نکا از دولت چین درخواست نمایند.<sup>(۴۴)</sup> وزیر امور خارجه چین، تانگ جیاسوان<sup>۴</sup> طی دیدار خود از تهران در فوریه سال ۲۰۰۰، این مسئله را بیشتر مورد

1. Mapna
2. Power Plant Projects Management Company
3. National Iranian Engineering and Construction Company
4. Tang Jiaxuan

بحث قرار داد. او در این دیدار گفت: «چین اهمیت فراوانی برای همکاری اقتصادی و نفتی با ایران قائل است. (۴۵) روشن نیست که آیا پکن برای تأمین حمایت بیشتر دولت از این پروژه در راستای درخواست احتمالی تهران موافقت کرد یا نه. در هر حال این توافق سرانجام در سال ۲۰۰۱ حاصل شد. سینیوپک که پس از کنار کشیدن شرکت ملی نفت چین، هدایت و رهبری کنسرسیوم را به دست گرفت، مهندسی، طراحی و ساخت پایانه نفتی نکا را به همراه ارتقای کیفی چندین پالایشگاه، متعهد شد. قرار شد شرکت انگلیسی - سوئیسی ویتو<sup>۱</sup> تنظیم امور مالی و شرکت هنگ‌کنگی فدرال آسیا<sup>۲</sup> ساماندهی تأمین نفت برای این پروژه جدید را انجام دهند. قرار شد این سه عضو غیر ایرانی کنسرسیوم، صدوسی میلیون دلار برای این کار سرمایه‌گذاری کنند. (۴۶)

شرکت ملی مهندسی و ساختمانی ایران آشکارا مسئولیت ساخت این خط لوله را به عهده داشت هر چند که سینیوپک نیز در تلاش برای ساخت خط لوله سهیم بود. تهران در فوریه سال ۲۰۰۱، تکمیل ۴۸ کیلومتر اول خط لوله را اعلام کرد. سینیوپک طراحی و ساخت پایانه نفتی را به پایان رساند و لذا افتتاح رسمی کل پروژه انتقال نفت نکا در ۲۹ آوریل سال ۲۰۰۴ اعلام شد. در آن زمان ظرفیت ورودی نفت به‌طور معمول ۱۷ هزار بشکه در روز اعلام شد. (۴۷) این تعداد بسیار پایین‌تر از ظرفیت ورودی ۱۷۵ هزار، ۳۷۰ هزار و یا حتی پانصد هزار بشکه در روز بود. (۴۸)

رئیس جمهور خاتمی اهمیت استراتژیک این سیستم جدید را در سخنان خود در طی مراسم افتتاحیه چنین تشریح کرد: ما مکرراً گفته‌ایم که ارزان‌ترین، کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای انتقال منابع انرژی منطقه دریای خزر به بازار، از راه ایران است و در این مورد هیچ تردیدی وجود ندارد. سیاست‌های غلط و استکباری آمریکا در جهان هر روز با شکست مواجه می‌شود. ما امیدواریم مقامات آمریکایی هوشیار و متوجه شوند که در این جهان آنها باید به همه مردم یکسان احترام بگذارند و با همه آنها یکسان رفتار کنند. زمان قلدری و زورگویی و یکجانبه‌گرایی و تحمیل خواست‌ها، که تنها منافع یک کشور را تأمین کند، سپری شده است. (۴۹)

1. Vito

2. Federal Asia



سفیر چین در مراسم افتتاح پروژه نکا در آوریل سال ۲۰۰۴ شرکت نکرد. اما هنگامی که سیستم نکا برپا شد و به کار افتاد چین با اختصاص بخشی از تولیدات جدید شرکت ملی نفت چین در بوزاچی شمالی<sup>۱</sup> در غرب قزاقستان بر حمایت خود از این سیستم افزود. شرکت ملی نفت چین در اواخر سال ۲۰۰۳ از میادین بوزاچی شمالی به میزان صد درصد از شرکت نفتی نیمیر<sup>۲</sup> عربستان سعودی و شورون تگزاکو<sup>۳</sup> آمریکا سود برد. تولیدات بوزاچی شمالی در گذشته از طریق آذربایجان به بندر باتومی<sup>۴</sup> گرجستان در دریای سیاه صادر می‌شد. اکنون این تولیدات که در کنترل چین است از مسیر کشورهای دوست آمریکا جدا شده و وارد سیستمهای صادراتی شده که تحت کنترل ایران و روسیه است که دارای استقلال فکری هستند. تولیدات میدان بوزاچی شمالی در اواسط سال ۲۰۰۳ در حالت عادی هشت هزار بشکه در روز بود اما شرکت ملی نفت چین برنامه‌ریزی کرد تا این افزایش تولید را به بیست هزار بشکه در روز، تا پایان سال ۲۰۰۳ برساند. (۵۰)

توافق سینوپک و آسیافدرال<sup>۵</sup> در ژانویه سال ۲۰۰۱ برای انجام فاز دوم پروژه‌های نکا بخشی از مجموعه معادلاتی بزرگتر بود. توافق میان سینوپک و شرکت ملی نفت ایران شامل اکتشاف و بهره‌برداری مشترک و توسعه ذخایر نفت و گاز در ۴۵۷۰ کیلومترمربع مساحت در منطقه زواره - کنشان، در ۲۰۵ کیلومتری جنوب تهران بود، قرار شد که سینوپک مجری این میادین باشد. ارزش این قرارداد ۱۳/۲۵ میلیون دلار و دوره زمانی آن سه سال با احتمال یک سال تمدید بود. (۵۱) این اولین مشارکت شرکتهای چینی در بهره‌برداری و توسعه ذخایر نفت و گاز ایران بود، به گفته یکی از نمایندگان سینوپک، این پیشرفت بسیار مهمی بود زیرا ماشین‌آلات و تجهیزات ساخت چین را به ایران معرفی می‌کرد. در گذشته ایرانیان تنها تجهیزات غربی یا ژاپنی را می‌شناختند. این جایگاه آغازی برای ارائه تجهیزات چینی به متخصصان نفتی

1. North Buzachi

2. Nimir

3. Chevron Texaco

4. Batumi

5. Asia Federal

ایران بود. (۵۲) چنین چیزی حاکی از آن است که تهران با پیشنهاد مشارکت در توسعه میدان نفتی، مشارکت سینوپک در نکاکراس را برای آنان خوشایند و مطلوب ساخت.

### اندیشه چین برای حمایت از سیستم نکا

با وجود حمایت چین از پروژه نکا، تناقض بدیهی و مشهودی میان سیستم‌های نکا و قزاقستان - سین‌کیانگ وجود دارد. سیستم نکا به منظور انتقال منابع انرژی از سواحل خزر به خلیج فارس طراحی شده است در حالی که خط قزاقستان - سین‌کیانگ برای انتقال این منابع به چین با پرهیز از حمل و نقل دریایی از خلیج فارس و پرهیز از آسیب‌پذیری استراتژیکی دریایی است که برای چین مطرح است. افزایش جریان نفت از طریق نکا و خلیج فارس موجب نگرانی پکن در مورد آسیب‌پذیری استراتژیک در مقابل ایالات متحده آمریکا نیست، چراکه انتقال این نفت تا پایانه بارگیری ممکن است توسط قدرتی کنترل شود که در صورت برخورد آمریکا و جمهوری خلق چین بر سر تایوان، همچنان دوست چین باقی بماند. نیروی دریایی آمریکا هنوز می‌تواند فراتر از دسترسی نظامی و قلمرو قدرت ایران، مانع از روان شدن جریان نفت شود. البته هزینه بسیار پایین حمل و نقل دریایی انرژی به شهرهای ساحل شرقی چین در مقایسه با حمل و نقل زمینی، اشاره به سمت و سویی دیگر دارند. پکن تا حدودی با انتخاب میان انرژی ارزانتر به اضافه وابستگی بیشتر به آمریکا، و انرژی گرانتر با نقل و انتقال زمینی به اضافه کاهش آسیب‌پذیری در مقابل سلطه آمریکا بر اقیانوس‌های جهان مواجه است. این حکایت از آن دارد که تا جایی که ایران می‌خواهد کریدور ترانزیتی برای عرضه انرژی به چین باشد، در پرهیز و ممانعت از رویارویی آمریکا و چین نیز نفع اساسی می‌برد.

ملزومات و نیازهای میزان نفت وارد شده به سیستم‌های نکا - کراس و قزاقستان - سین‌کیانگ نیز می‌تواند با هم در تضاد باشد. نفت سواحل خزر می‌تواند یا از طریق خط قزاقستان - سین‌کیانگ به سمت شرق و یا از سیستم نکا به سمت جنوب جریان یابد. حداقل

میزان نفتی که لازم است تا سیستم قزاقستان - سین کیانگ از نظر اقتصادی موفق و پویا باشد در حدود بیست میلیون بشکه در سال و یا حدود ۵۵ هزار بشکه در روز برآورد می‌شود. پیش‌بینی‌های ایرانیان از تکمیل مرحله سوم سیستم نکا (یعنی خط لوله‌ای که مستقیماً از نکا به خارک آید)، ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز است. باید به این معادله، یک میلیون بشکه در روز اضافه کرد که در صورت بهره‌برداری از سیستم باکو - تفلیس - چیخان در سال ۲۰۰۵، انتقال می‌یابد و همچنین شبکه خط لوله قدرتمند روسیه به‌علاوه ارتقای خط لوله سیستم انتقال به اروپا نیز اضافه می‌شود. رقابت میان سیستم‌های نکا/کراس و قزاقستان - سین کیانگ می‌تواند بسیار شدید باشد.

همچنین میان خط لوله ماورای ایران، ترکمن‌باشی - نکا - خارک و یک خط لوله ماورای افغانستان و ماورای پاکستان با پایانه دریایی در گوآدار نیز درجه‌ای از رقابت وجود دارد. ایران و متحد قدیم چین یعنی پاکستان، هر دو می‌خواهند معبر و کانالی برای منابع انرژی غنی اما توسعه نیافته ترکمنستان باشند. در همان ابتدای دهه ۱۹۹۰ پاکستان، ساخت خط لوله‌ای از افغانستان و پاکستان را برای انتقال نفت ترکمنستان از منطقه چارزو<sup>۱</sup> به پایانه جدید دریایی که قرار بود در گوآدار، در غرب پاکستان توسعه یابد، ترغیب می‌کرد. پس از تعاملات طولانی در ژوئن سال ۲۰۰۲، پاکستان، ترکمنستان و افغانستان توافقی را برای حمایت از توسعه چنین خطی امضا کردند.<sup>(۵۳)</sup> چین در سال ۲۰۰۱ پذیرفت تا کمک‌های وسیعی را به پروژه گوآدار پاکستان ارائه کند.<sup>(۵۴)</sup> انتخاب دیگر برای خط چارزو - گوآدار، خط جدید چارزو - نکا بود که نفت ترکمنستان را از جنوب غرب وارد شبکه مستقر در ایران با پایانه دریایی در خلیج فارس می‌نماید.

انتخاب میان چارزو - گوآدار و چارزو - نکا در عمل پکن را در موضع انتخاب میان اسلام‌آباد و تهران قرار می‌داد. از نقطه نظر حل مشکل چین در مقابل آسیب‌پذیری استراتژیک در مقابل نیروی دریایی آمریکا، تفاوتی میان این دو سیستم وجود ندارد. تهران و اسلام‌آباد هر

1. Charzhou

دو، چین را یک شریک استراتژیک می‌دانند و هر دو از نظر منافع و چشم‌اندازهای آتی در همگرایی و تقارب وسیع با چین سهیم هستند. پکن برای روابط با پاکستان و ایران ارزش قائل است و احتمالاً از این که ناگزیر به انتخابی آشکار میان تهران و اسلام‌آباد در رقابت خطی لوله نفتی می‌باشد، ناخشنود و بی‌میل است. به احتمال زیاد پاکستان به طرح‌ها و پروژه‌های هر دو کمک خواهد کرد تا به این دو پایتخت، تمایل و توانایی چین را برای کمک به آنها در شناسایی اهداف خود نشان دهد و در عین حال از تحرکاتی که آنها را آشکارا در اتحاد با تهران یا اسلام‌آباد در مقابل دیگری قرار دهد، پرهیز می‌نماید. پکن احتمالاً از جانبداری از اسلام‌آباد یا تهران در رقابت بر سر انرژی میان دو کشور خودداری خواهد نمود. شاید لازم باشد تا پکن، حداقل تا حدی از پروژه‌های صرفاً انرژی ایران و پاکستان، حمایت کند اما به‌طور کامل از پروژه‌های تنها یکی از آنها جانبداری و حمایت نکند.

با وجود عدم موفقیت سیستم نکا - کراس ایران در مرتفع نمودن آسیب‌پذیری استراتژیک چین در مقابل نیروی دریایی آمریکا، همکاری با پروژه ایرانی مزایای متعددی برای چین داشت. اول و احتمالاً مهم‌تر از همه آن که با حمایت از ایران در مورد پروژه‌های که دولت ایران آن را بسیار مهم و مقابله با مخالفت‌های آمریکا فرض می‌کرد، مشارکت استراتژیک چین و ایران را تقویت می‌نمود. دولت ایران این پروژه‌ها را برای نیاز به استقلال ملی، توسعه و امنیت خود بسیار مهم و اساسی می‌داند. دقیقاً به این دلیل که این پروژه‌ها، استقلال، توسعه و امنیت ایران را که واشنگتن با آن مقابله می‌کند (براساس نظرات رسمی ایران)، تقویت و تحکیم می‌نماید. پکن با کمک به تلاش‌های ایران، بخصوص در مقابل مخالفت و خصومت آمریکا، ارزش و تأثیر دوستی چین را نشان می‌دهد و شاید تا حدی سرمایه سیاسی ضد استکباری را که طی متارکه همکاری هسته‌ای با ایران از دست داد، جبران می‌نماید.

حمایت از نکا - کراس به چین کمک می‌کند تا آنچه را که پکن امیدوار است همکاری و مشارکت پایدار و بلندمدت با ایران باشد به پیش ببرد. پکن، ایران را یک قدرت بزرگ منطقه‌ای

می‌داند که تضاد منافع عمده‌ای با چین ندارد اما دارای پیشینه همکاری سیاسی با چین است. هدف پکن در مقابل ایران، ایجاد مشارکتی پایدار و چند بُعدی است که به دو طرف امکان می‌دهد برای تلاش‌های مشترک جهت حل مشکلات گوناگون و نگرانی‌های مشترک به راحتی و به‌طور طبیعی روبه سوی یکدیگر آورند. از این دیدگاه، کمک به تهران برای اهداف مهمی که در نظر دارد، راهی برای افزایش نفوذ چین در منطقه‌ای کلیدی در جهان است.

امتیاز دوم حمایت «متقابلاً سودمند» پکن از پیشنهادات خط لوله ایران این است که شرکت‌های چینی منافع خوبی از آن به‌دست می‌آورند و بازارهای صادرات کالاهای چینی را گسترش می‌دهد. بازار ایران بسیار رقابتی و شلوغ است. این به سود چین است که از این فرصت‌ها که شرکت‌های سایر کشورها ممکن است بنا بر دلایل سیاسی یا سودمندی محدود، آن را خطرناک ببینند، استفاده کند. از این دیدگاه، ویژگی ضد استکباری چین راهی برای کمک به شرکت‌های چینی برای ورود به بازاری مستحکم است. خاورمیانه یکی از مناطق پویای اقتصادی جهان است که دولت‌های آن دارای منابع مالی قوی برای استفاده در کشورهای در حال توسعه خود می‌باشند. پکن می‌خواهد شرکت‌های چینی بتوانند نقش عمده‌ای را در این روند ایفا کنند و بدین طریق موجب پرورش و تقویت توسعه در چین شوند.

امتیاز سوم حمایت از پروژه‌های خط لوله تهران برای پکن، پرورش و تقویت چندقطبی بودن است. پکن و تهران هر دو معتقدند که هدف اصلی سیاست آمریکا، تضمین کنترل آمریکا بر نفت خاورمیانه به عنوان ابزار مورد نیاز آمریکا برای سلطه جهانی است. استقرار یک سیستم بزرگ انتقال انرژی خزر به بازارهای جهانی، مستقل از کنترل آمریکا و در حقیقت تحت کنترل مقاومت‌کنندگان آگاه و بیدار علیه استکبار و سلطه آمریکا مانند ایران و چین، از نفوذ جهانی آمریکا می‌کاهد. ساده‌تر آن که حمایت چین از پروژه‌های خط لوله خزر، راهی برای مقابله با تلاش آمریکا برای کنترل جریان‌های نفتی جهان است.

## یادداشت‌ها

1. Erica Downs, *China's Quest for Energy Security*, Santa Monica: RAND, 2000, p.15-18. - Also, Gaya Christoffersen, "China's Intentions for Russian and Central Asian Oil and Gas", *NBR Analysis*, Vol.9, No.2 (March 1998)
2. "Kazakh - Chinese Oil Pipeline Not Realistic, *Tehran Times*, 4 July 1999.  
<http://www.tehrantimes.com/archives>
3. Murat Yermukanov, "A Thorny Road to Sino - Kazakh Partnership", *China Brief*, Vol.IV, issue 14 (8 July 2004). Online at [brdcst@jamestown.org](mailto:brdcst@jamestown.org)
4. Michael Lelyveld, "Kazakhstan: China Seeks Oil Investment With an Eye On Pipeline", 11 March 2003, Radio Free Europe/Radio Liberty.  
<http://www.rferl.org/nca/features/2003/03/11032003212209.asp>
5. "China's Longest Oil Pipeline Begins Trial Run", *Asia Africa Intelligence Wire*, 11 November 2002. Accessed via Info Trac.
6. "China, Now an Energy Importer, Struggles to Reduce Its Reliance on Mideast Oil, *New York Times*, 3 September 2002, p.C4.
7. ارتباط فردی با نویسنده Mike Herberg متخصص انرژی چین با دفتر تحقیقات ملی آسیایی، Seattle, Washington, 22 March 2004. آقای هربرگ پیش از این رئیس عملیات آسیا - اقیانوسیه برای شرکت نفتی Atlantic Richfield بود.
8. "Pipeline networks to reduce pressure on rail system", *Asia Africa Intelligence Wire*, 17 June 2004. Accessed via Info Trac.
9. Salamandar Davouli, "Rumsfeld gives Kazakhstan security pledge in Caspian Sea", *Financial Times*, 26 February 2004, p.2, Cited in Germanovich, p.15.
10. Interfax online daily briefing on Kazakhstan, 21 October 2003., Cited in Germanovich, p.15.
11. Interfax daily online report, 26 February 2003.

www.eurasianet.org/departments/business/articles/eav060903.shtml; "China's Shengli buys into Azeri offshore oil field", Agence France Presse, 4 June 2003.

۱۲. چین ۶۸۶ میلیون دلار در بخش نفت قزاقستان سرمایه‌گذاری کرد.

Moscow Interfax, 28 March 2003. Foreign Broadcast Information Service, World News Connection. Accessed via <http://wnc.dialog.com>. Hereafter cited as "Dialog".

۱۳. متن بیانیه مشترک هوچین تائو و نظربایف در مورد همکاری، شین‌هوا، ۳ ژوئن ۲۰۰۳.

۱۴. متن کامل بیانیه مشترک چین - قزاقستان، شین‌هوا، ۱۷ مه ۲۰۰۴.

15. "Kazakhstan: President Signs Agreement with China on Oil, Gaz Cooperation", Moscow Interfax, 18 May 2004, Dialog.

16. "Kazakhstan: President Signs Agreement with China on Oil, Gas Cooperation", Moscow Interfax, Moscow, 18 May 2004, Dialog.

17. "Geo - Economic Factors of Oil and Gas, "Iranian Embassy in Poland.

<http://www.iranemb.warsaw.pl/chap3V.htm>.

18. Fereidun Fesharaki, Mdhdh Varzi, "Investment Opportunities starting to open up in Iran's petroleum sector", *Oil and Gas Journal*, 14 February 2000. Accessed via ProQuest. <http://proquest.uni.com>.

19. Fereidun Fesharaki, Mahdi Varzi, "Investment Opportunities starting to open up in Iran's petroleum sector", *Oil and Gas Journal*, 14 February 2000. Accessed via ProQuest. <http://proquest.uni.com>.

20. "View from Iran, "Caspian Investor, Vol.3, No.2, 28 February 2000. Accessed online at <http://www.wtexec.com/cesp022902.htm>

21. "Iran: Report Discusses Inauguration of Neka Oil Project", Tehran Sharq (in Persian), 1 May 2004. Dialog.

22. "APS Review Gas Market Trends", Dow Jones and Reuters, 18 September 2000. Accessed via factiva at <http://www.global.factiva.com>.

23. AFP, 1 May 2004, Iran Expert. <http://www.iranexpert.com/2004/caspian1may.htm>.
24. "Iran: Report Discusses Inauguration of Neka Oil Project", *op.cit.*
25. Xinhua, 10 October 1997. Dialog.
26. "China to prise open export path", *Petroleum Economist*, October 1997, Vol.64, No.10. Accessed via infotrac.
27. "U.S.investigates Iran - China oil deal", *Financial Times*, 23 January 2001, p.15. Accessed via infotrac.
28. "US to Study Sinopec Iran Deal for Poential Sanctions", Dow Jones Energy Service, 19 January 2001. Accessed via factiva.
29. Find Source?
30. "U.S. investigates Iran - China oil deal", *op.cit.*
31. "Nazarbeyev considers oil pipeline to Gulf via Iran", *Financial Times*, 26 May 2004, Accessed via Iran Expert.
32. "China's Oil Giant Sinopec to Explore Oil in Iran", Tehran Times, 14 January 2001, Hooman Peimani, "Russia Turns to Iran for Oil Exports", Asia Times online, 11 Feburary 2003. [www.atimes.com](http://www.atimes.com). "SIIRTEC to Revamp Sulfur Units for Iranian Refineries", *Tehran Times*, 11 June 2001.
33. "Swap deal with China finances sulfur treatment upgrade", source???, 31 March 2001, Accessed via factiva.
۳۴. طول خط لوله نکا را بسیار متفاوت و از ۲۴۰، ۳۳۶ و ۳۹۰ کیلومتر ذکر کرده‌اند.
۳۵. منبع دیگری ارزش کل پروژه را ۸۹۰ میلیون دلار ذکر کرده است.
- Iran: Fuel Imports via Neka- Rey Pipeline to Increase", Tehran Iran Daily, 25 August 2003, Dialog.
۳۶. "Iran Finishes the First Stage of Neka - Tehran Pipeline", Azer- Press, 21 November 2000. منبع دیگری می‌گوید که پایانه جدید نکا ظرفیت ذخیره نفت خام ۲۶۰۰۰۰ مترمکعب را داشته



است.

- "Sinopec Completes Renovation of Iranian Oil Refinery", Interfax China Business. News, 5 December 2003. Via factiva.
37. "Iran Report Discusses Inauguration of Neka Oil Project", Tehran Sharq, in Persian, 1 May 2004, Dialog.
38. "Caspian Competition: Iran Vies for Extra Caspian Barrels", NEFTE Compass, 2 March 2004. Via factiva.
39. "Neka - Tehran pipeline contract under review", MEED, 20 August 1999, p.15.
- "Chinese Team Offered Neka - Tehran pipeline", MEED, 1 October 1999, p.18.
40. "Iran, China continue to Negotiate on Oil Pipeline, *Tehran Times*, 18 January 2000.
41. "Neka Pipeline Gets Green Light", *Harts Middle East Oil and Gas*, 21 March 2000, Vol.2, issue 6. Accessed via factiva. It may have been MAPNA that was not party to the initial round of bidding, but other sources report that, that company in fact submitted the lowest bid in that competition.
42. Fereidun Fesharaki, Mehdi Varzi, "Investment Opportunities starting to open up in Iran's petroleum sector", *Oil and Gas Journal*, Vol. 98, issue 7 (14 February 2000). Accessed via Proquest, <http://proquest.umi.com/>
43. "China CNPC, Iran Oil Min Fail to Agree on Pipeline Finance", Dow Jones Energy Service, 15 February 2000. Accessed via factiva.
44. "Tehran Presses Beijing on Neka-Tehran Bid", *Harts Asian Petroleum News*, 31 January 2000, Vol.4, issue 4, Accessed via factiva.
45. "Iran, China Discuss Caspian Oil Cooperation, Exports - IRNA", Dow Jones Energy Service, 22 February 2000. Accessed via factiva.
46. "Deal Near on Neka - Tehran Oil Pipeline", *Energy Compass*, 25 February 2000. Accessed via factiva. "National Iranian oil company and Chinese oil giant sign agreement

to upgrade refineries", BBC Shortwave Broadcast Summary, 12 January 2001. Accessed via factiva.

47. "Khatami: Says Iran Provides Safest, Cheapest Route for Transfer of Caspian Oil", Vision of the Islamic Republic of Iran Network, 29 April 2004. Dialog.

48. "Neka - Ray oil pipeline will be completed by summer 2003, *Petroleum Economist*, August 2002, Vol.69, issue 8. Accessed via Infotrac.

49. "Iran: Report Discusses Inauguration of Neka Oil Project", Tehran Sharq, in Persian. 1 May 2004. Dialog.

50. "CNPC Is Stopping the Transit of Crude Oil From North Buzachi Via Azerbaijan and Georgia Baku [sic]", Azer- Press, 16 September 2003". "CNPC Plans to Redirect Oil Flows from Kazakhstan's North Buzachi Field", WMRC Daily Analysis, 17 September 2003. "CNPC Is Ready to Alter the North Buzachi Oil Export Route", Azer- Press, 22 August 2003. All accessed via factiva.

51. "China Strengthens Oil Ties with Iran Through Major Deals", Dow Jones Energy Services, 29 January 2001. Via factiva.

52. Find Source?

53. Reter Symond, "New US empire is no accident, Gas Deal: a Central Asian gas deal underscores the real reason for the US- led Afghan war", *Bangkok Post*, 16 June 2002. Ahmed Rashid, *Taliban, Militant Islam, Oil and Fundamentalism in Central Asia*, New Haven and London: Yale University Press, 2000. Rashid documents Pakistani lobbying on behalf of these pipeline routes, and argues that securing these routes was the key factor driving Pakistan's support for the Taliban.

54. I discuss this assistance in "The Security Dilemma in Sino - Indian Relations", *India Review*, Vol.1, No.4, (October 2002), p.1-38.